

Sociological analysis of the capitals of female characters in the novel *Summer with the Enemy of Shahla al-Ujaili* based on Pierre Bourdieu's theory of different types of capital

Ali Afzali¹, Associate professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran
Mahboobeh Shirvani Dastgerdi, MA graduate in Arabic language and literature, University of Tehran

Received: 01-09-2021

Accepted: 18-01-2022

Introduction: The novel is more influenced by the conditions of the society than any other literary work, and it can reflect the social structure better than any other genre. Accordingly, it has the greatest capacity to represent the contemporary human life. In this regard, Bourdieu's critical sociology, in addition to paying attention to the objective and structural dimension, considers the mental dimension of social life and takes a field-like view of the relations that govern the social atmosphere. The sociological study of women's capital in the novel reveals the cultural inferiority of women in the light of the patriarchal system of men and their infidelity, which plays a significant role in destroying women's married life and is a negative social capital for them. It also shows that the most important theme of the novel's social capital is the sufferings of women's lives in the patriarchal context of society, which is strengthened by war and its consequences. The level of cultural capital in this novel is determined in direct connection with the war and especially the Syrian civil war. These funds are neither so frustrating as low-income women nor so promising that they can be considered an effective factor in various social and economic fields.

Methodology: In this research, we have criticized the sociological novel of *Summer with the Enemy* by Shahla al-Ujaili based on the various types of capital as introduced by Pierre Bourdieu and using the analytical-descriptive method.

Results and discussion: Just a corner of the suffering of the contemporary Arab woman is depicted in the novel. It shows the dominance of the patriarchal nature and the common beliefs of the people of that society. The age variable in the main female characters of the story is a recognizing factor that divides them into three generations and depicts the needs and concerns of those generations in the light of different economic, social and cultural conditions. The common social factor in these three generations that has changed their lives is war. Grandma Lamis Karameh is the main character in the story, a woman whose life has been changed by war and whose social and cultural effects have been devastated. Lamis's mother Najwa, is ruined by the war, and Lamis himself migrates to unknown aspirations with the loss of his mother and father as his most valuable social assets; the war has left him with nothing but helplessness, homelessness and suffering. At the heart of these three generations of women, there are the lives of Syrian women in the throes of patriarchal domination. Infidelity as a negative social capital has a significant role in destroying women's

¹ Corresponding Author Email: ali.afzali@ut.ac.ir

married life, and the author has dealt with it from all social, psychological and cultural viewpoints. By addressing the pain of Carmen's life as a European woman whose life has been ruined by infidelity, the author shows the common suffering of all women. The inferiority of women in the atmosphere of patriarchal domination is well portrayed in the life of the characters in this novel. Immigration in this novel is also one of the central themes of the life of the main character of the story, whose life has been overshadowed by war. The objective manifestation of religious beliefs is also noteworthy as the embodied cultural capital in the lives of the characters of the novel. In general, the most important theme of social capital in the novel *Summer with the Enemy* is the sufferings of women in the patriarchal context of the society, which is aggravated by the war and its consequences. In this novel, the symbolic capital of love is also seen in the lives of women.

Conclusion: Due to its tragic and tangible content during the lives of the protagonists, especially in the field of women's problems and their social rights in Syria during the civil war, the novel *Summer with the Enemy* is a very good case for the qualitative assessment of the situation of women in this country. Considering Pierre Bourdieu's theory, which is especially capable of depicting social situations, this study employed it to depict wartime women's social issues and the frameworks governing the lives of female characters in the novel especially the hero of the novel, as a reflection of the social and cultural realities of the Syrian society.

Keywords: Sociological criticism, Types of capital, Pierre Bourdieu, Shahla Ujaili, *Summer with the Enemy*



خوانش جامعه‌شناختی سرمایه‌های زنان در رمان "صیف مع العدو" اثر "شهلا العجیلی" براساس نظریه‌ی انواع سرمایه‌ی پیر بوردیو

علی افزلی^۱، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران
محبوبه شیروانی هشتگردی، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

چکیده

رمان بیش از هر اثر ادبی دیگر، تحت تأثیر شرایط و اوضاع جامعه قرار دارد و بهتر از هر اثر ادبی دیگر، می‌تواند ساختار اجتماعی را در خود بازتاب دهد. بر همین اساس، بیشترین ظرفیت را برای بازنمایی زندگی انسان معاصر دارد. رمان "صیف مع العدو" انعکاسی از زندگی اجتماعی مردم سوریه در خلال جنگ داخلی و پیامدهای آن است؛ که این پیامدها، زندگی مردم این کشور به ویژه زنان را تحت الشعاع قرار داده‌است. از این‌رو در این پژوهش به نقد جامعه‌شناسانه‌ی رمان "صیف مع العدو" اثر "شهلا العجیلی" براساس نظریه‌ی انواع سرمایه‌ی پیر بوردیو و با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی پرداخته شده‌است. جامعه‌شناسی انتقادی بوردیو^۱، علاوه بر توجه به بُعد عینی و ساختاری، بُعد ذهنی حیات اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد و نگاهی میدان‌وار به روابط حاکم بر فضای اجتماعی دارد. بررسی جامعه‌شناسانه‌ی سرمایه‌های زنان در رمان "صیف مع العدو"، از فرودستی فرهنگی زنان در پرتو نظام مردسالارانه‌ی مردان داستان پرده برمی‌دارد و خیانت را که نقش پررنگی در تخریب زندگی زناشویی زنان دارد، به مثابه‌ی یک سرمایه‌ی اجتماعی منفی در زندگی آن‌ها، نمایان می‌کند و نشان می‌دهد مهم‌ترین درون‌مایه‌های سرمایه‌های اجتماعی رمان، رنج‌های زندگی زنان در بافت مردسالار جامعه است که جنگ و تبعات ناشی از آن، بدان قوت می‌بخشد.

کلید واژه‌ها: نقد جامعه‌شناختی، نظریه‌ی انواع سرمایه، پیر بوردیو، "شهلا العجیلی"، "صیف مع العدو".

^۱ پست الکترونیکی نویسنده‌ی مسئول: ali.afzali@ut.ac.ir

مقدمه

رمان، مهم‌ترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافته‌ی ادبی روزگار معاصر و تصویری عینی از چشم انداز و برداشت نویسنده از زندگی است که اوضاع فکری-فرهنگی هر عصری را به تصویر می‌کشد. به همین دلیل این گونه‌ی ادبی اسناد خوبی برای نقد جامعه‌شناختی ادبیات است. نقد جامعه‌شناختی ادبیات، یکی از شیوه‌های نسبتاً نوین در مطالعات ادبی است. نقد جامعه‌شناختی سرمایه‌های زنان در رمان‌های معاصر، در پی ارائه‌ی خوانشی جدید از این ژانر ادبی و کشف موقعیت نامناسب زنان، در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

رمان "صیف مع العدو" به سبب بهره‌مندی از محتوای تراژدی‌گونه آن هم به صورت ملموس و زنده در خلال زندگانی قهرمان‌های داستان و به ویژه حوزه‌ی مشکلات زنان و حقوق اجتماعی آن‌ها در سوریه و در خلال جنگ‌های آن، مورد بسیار مناسبی برای برآورد کیفی وضع زنان در این کشور است. با توجه به نظریه‌ی پیر بوردیو، که به قابلیت‌های ادبیات در ترسیم اوضاع اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته‌است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با تکیه بر نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی پیر بوردیو و با در نظر گرفتن قابلیت‌های نظریه‌ی پیر بوردیو در حوزه‌ی مسائل اجتماعی، به نقد جامعه‌شناسانه‌ی سرمایه‌های اجتماعی زنان در رمان "صیف مع العدو" اثر "شهلا العجیلی" پرداخته و چارچوب‌های حاکم بر زندگی شخصیت‌های زن در رمان "صیف مع العدو" به ویژه قهرمان رمان را، به عنوان انعکاسی از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی سوریه، مورد بررسی قرار داده و به این دو پرسش پاسخ ارائه دهد:

- با توجه به نظریه‌ی پیر بوردیو، شخصیت‌های زن در رمان "صیف مع العدو" دارای کدام یک از انواع سرمایه هستند؟

- در رمان "صیف مع العدو" کدامین سرمایه از سرمایه‌های چهارگانه‌ی پیر بوردیو با توجه به بستر فرهنگی جامعه‌ی سوریه بسامد بالاتری دارد؟

پیشینه‌ی پژوهش

تنها مقاله‌ای که عملاً از نظریه‌ی بوردیو در تحلیل یک اثر ادبی عربی به زبان فارسی بهره برده‌است، مقاله‌ی «مطالعه‌ی سرمایه‌های اجتماعی زنان در عربستان براساس نظریه‌ی پیر بوردیو؛ مطالعه‌ی موردی: رمان دختران ریاض» (پژوهشنامه‌ی نقد ادبی و بلاغت، شماره‌ی ۱۲: ۱۳۹۶) از علی افضل‌ی و زینب قاسمی اصل می‌باشد که در آن نظریه‌ی بوردیو را بر رمان بنات الرياض تطبیق داده‌اند.

نویسندگان در این مقاله، وضعیت سرمایه‌های اجتماعی زنان در جامعه‌ی عربستان سعودی و موانع پیش روی آنان را بررسی کرده‌اند.

صدف گلمرادی در رساله‌ی دکتری خود با عنوان «نقد جامعه‌شناختی سرمایه‌های شخصیت‌های زن در رمان‌های منتخب پس از انقلاب اسلامی» (۱۳۹۳) سرمایه‌های شخصیت‌های زن در رمان‌های منتخب پس از انقلاب اسلامی را براساس نظریه‌ی انواع سرمایه‌ی بورديو مورد نقد جامعه‌شناسانه قرارداد و به بازنمایی مناسبات قدرت در رمان‌های فارسی منتخب با توجه به انواع سرمایه‌های زنان و بررسی نحوه‌ی گردش یا تبدیل سرمایه‌های زنان در رمان‌ها پرداخته است.

مریم حسینی و صدف گلمرادی در مقاله‌ی خود با عنوان «نقد جامعه‌شناسانه‌ی سرمایه‌های شخصیت‌های زن در رمان نیمه‌ی غایب بر اساس نظریه‌ی انواع سرمایه‌ی پیر بورديو» (ادبیات پارسی معاصر، شماره‌ی ۲۰: ۱۳۹۵)، به نقد جامعه‌شناسانه‌ی سرمایه‌های شخصیت‌های زن در رمان نیمه‌ی غایب براساس نظریه‌ی انواع سرمایه‌ی پیر بورديو پرداخته و تلاش داشتند تا انواع سرمایه‌ی زنان در رمان مذکور و استراتژی‌های آنان برای تولید یا بازتولید، انباشت و حفظ سرمایه‌ها را مورد بررسی قرار دهند.

با وجود پژوهش‌های فراوانی که در خصوص نقد جامعه‌شناسانه بر اساس نظریه‌ی پیر بورديو در حوزه‌ی ادبیات صورت گرفته و در بالا به تعدادی از آنان اشاره شد، اما تاکنون رمان صیف مع العدو از منظر این رویکرد مورد بررسی قرار نگرفته و این پژوهش اولین پژوهشی است که رمان مذکور را بر اساس نظریه‌ی انواع سرمایه‌ی پیر بورديو مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیر بورديو و مفهوم سرمایه

«در میان شخصیت‌های روشنفکر و دانشگاهی قرن بیستم، پیر بورديو بی شک بیشترین نفوذ فکری را دست کم در حوزه‌ی علوم اجتماعی داشته است و از این لحاظ شاید بتوان او را فقط با «کلود لوی اشتروس»^۲ مقایسه کرد؛ البته با این تفاوت اساسی که نفوذ لوی اشتروس در خارج از فرانسه بسیار محدودتر از بورديو بوده و پایه‌های اندیشه‌ی اشتروسی، یعنی نظریه‌ی ساختاری در علوم اجتماعی، مدت‌هاست که قدرت خود را از دست داده است؛ در حالی که بیشتر دست‌اندرکاران و متفکران علوم اجتماعی امروز، بر این عقیده هستند که نظریه‌ی بورديو، آینده‌ی درخشانی خواهد داشت و جریان‌های گسترده‌ای که از هم اکنون نیز در سراسر جهان با حرکت از مفاهیم بورديو، عرصه‌های بسیار متنوعی چون نقد ادبی و هنر و ورزش و سبک زندگی را موضوع مطالعه‌ی خود قرار داده‌اند، هنوز در ابتدای کار هستند» (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

«آثار بورديو معرف نوعی جامعه‌شناسی بازاندیشانه است. او سعی کرده با تلفیق تجربه و تعقل، از ذهنی‌گرایی و تجربه‌گرایی انتزاعی بپرهیزد و تمام جنبه‌های عینی و ذهنی آنان را به‌صورتی جامع توصیف و تحلیل نماید» (گرنفل^۳، ۱۳۸۹: ۱۹).

«مفهوم سرمایه، یکی از غنی‌ترین چارچوب‌های تبیینی در ملاحظات جامعه‌شناختی و اقتصادی معاصر است» (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱) و «از دید بورديو، سرمایه، به هر منبعی گفته می‌شود که در عرصه‌ی خاصی اثر گذارد و به فرد امکان دهد که سودی ویژه از راه مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد» (قاسمی و نامدار جویمی، ۱۳۹۳: ۹). «به عقیده‌ی بورديو در هر میدانی، میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی، چهار نوع سرمایه رد و بدل می‌شود که عبارتند از:

الف) سرمایه‌ی اقتصادی، یعنی ثروت و پولی که هر بازیگر (کنشگر) اجتماعی در دست دارد و شامل درآمدها و بقیه‌ی انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه‌ی نهادی پیدا می‌کند.

ب) سرمایه‌ی اجتماعی، یعنی شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی که هر فردی در اختیار دارد و آن شامل همه‌ی منابع واقعی و بالقوه‌ای است که می‌تواند در اثر عضویت در شبکه‌ی اجتماعی کنشگران یا سازمان‌ها به دست آید.

ج) سرمایه‌ی فرهنگی، یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن دربرگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند.

د) سرمایه‌ی نمادین، یعنی مجموعه ابزارهای نمادین، حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) است که فرد در اختیار دارد. سرمایه‌ی نمادین جزئی از سرمایه‌ی فرهنگی است و به معنای توانایی مشروعیت دادن، تعریف کردن و ارزش‌گذاردن می‌باشد» (روحانی، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۵).

طرح بورديو از انواع سرمایه، تأکیدی است بر پیچیدگی و اهمیت نابرابری در جوامع انسانی. وی در ارائه‌ی مفهوم سرمایه، همواره بین سطوح ساختار و عاملیت در حرکت است.

شهلا العجیلی

نویسنده‌ی سوری-اردنی (۱۹۷۶-تاکنون) که رمان‌های او عبارتند از: "عین الھر" (چشم گربه - ۲۰۰۹) برنده‌ی جایزه‌ی ادبیات اردن، "سجاد عجمی" (فرش ایرانی - ۲۰۱۲)، "سماء قریبة من بیتنا" (آسمانی نزدیک خانه‌ی ما - ۲۰۱۶) که به لیست کوتاه جایزه بوکر عربی در سال (۲۰۱۶) راه یافته و به انگلیسی و آلمانی ترجمه شده است و "صیف مع العدو" (تابستانی به همراه دشمن - ۲۰۱۸).

خلاصه‌ی رمان "صیف مع العدو"

راوی رمان، دختری نوجوان به نام "لمیس" است. "لمیس" یا "لولو" آن طور که نویسنده در طی رمان او را خطاب می‌کند، راوی زندگی شخصیت‌های مختلفی در طول داستان است. او شخصیت‌های مختلفی را به خواننده عرضه می‌دارد. شخصیت‌هایی فرعی که شاید هم هیچ نقشی در زندگی لمیس نداشتند و صرفاً به موازات شرح زندگانی لمیس توسط نویسنده برای بیان برشی از تاریخ سیاسی - اجتماعی سوریه استفاده می‌شود.

تطبیق نظریه‌ی بوردیو بر رمان "صیف مع العدو"

نظریه‌ی انواع سرمایه‌ی بوردیو، زنان را از عنصری صرفاً رمانتیک در رمان جدا می‌سازد، به مثابه کنشگری مؤثر در عرصه‌ی اجتماعی به آنان می‌نگرد که با تکیه بر آن، می‌توان تمام ساختارهای مادی، معنوی، ذهنی و عینی هستی آنان را کاوید و به حجم و ترکیب انواع سرمایه‌ی آن‌ها پی برد و تشخیص و تمایزی که از این راه برای آنان حاصل می‌شود را عیان نمود و جایگاهی که در میدان قدرت به زنان تعلق می‌گیرد را آشکار کرد. در این ایده، سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین به شرح ذیل بررسی می‌شود:

سرمایه‌ی اقتصادی شخصیت‌های زن در رمان

«سرمایه‌ی اقتصادی به درآمد پولی، سایر منابع و دارایی‌های مالی اطلاق می‌شود و تظاهر نهادینه‌اش را می‌توان در حق مالکیت یافت» (استونز، ۱۳۷۹: ۲۲۱). سرمایه‌ی اقتصادی در رمان "صیف مع العدو"، در زندگی شخصیت‌های زن رمان جلوه‌ی بسیار پررنگی ندارد. پایین‌ترین حد سرمایه‌ی اقتصادی را می‌توان در زندگی کرمة در دوران کودکی یافت. با کشته‌شدن پدر از یک سو و واگذاری سرپرستی او و خواهرش به راهبان صومعه و خودکشی مادر از سوی دیگر می‌توان از دست‌رفتن سرمایه‌های اجتماعی زیاد و به دنبال آن سرمایه‌های اقتصادی را مشاهده نمود. کرمة که برای جبران این خلأ به‌عنوان یک راقصه به گروه بعید مصابنی ملحق می‌شود، به موازات باز تولید سرمایه‌های اجتماعی در زندگی خود، به دنبال کسب درآمد و ارتقای سطح سرمایه‌ی اقتصادی خود است:

«جدي أيضاً لم أكن أعرف له إسماً سوى الأغا، وعرفت متأخرة أن اسمه إبراهيم. يمتلك أراضي شاسعة وبساتين على النهر، لا يدانيه في الملك سوى عائلتين أخيرين في وادي الفرات» (العجيلي،

ازدواج کر مه با آغا ابراهیم علاوه بر کسب سرمایه‌های اجتماعی مثبت، پایگاه اقتصادی او را ارتقا می‌بخشد؛ چرا که آغا ابراهیم مردی زمین‌دار و ثروتمند است.

در بخش دیگری از رمان، نجوی مادر لمیس در کتابخانه مشغول کار می‌شود:

«تعود أمي إلى العمل نشيطة بعد مشوارنا الصباحي الصيفي هذا، فأذهب معها إلى المكتبة، وأدخل القاعة المخصصة للكبار^٦» (همان: ۸۸).

بنابراین می‌توان مشاهده کرد که او به‌عنوان یک زن در زمینه‌ی کسب سرمایه‌های اقتصادی مستقل عمل می‌کند. او در کتابخانه کار می‌کند و درآمدش به‌عنوان تولید یک سرمایه‌ی اقتصادی برای او محسوب می‌شود.

ترفنده یکی از شخصیت‌های فرعی زن رمان است که به‌عنوان تنها قابله‌ی شهر، دایی نجیب لمیس را به دنیا می‌آورد. قابله‌بودن، به‌عنوان یک شغل کسب‌کننده‌ی سرمایه اقتصادی برای ترفنده محسوب می‌شود:

«كان العالم يحتفل بتدوير أفلام رائعة في دور السينما تلك السنة: (لا دوليتشي فيتا) لفليني، و(سبارتاكوس) لكوبريك، وإلى شمال ألاسكا) لهنري هاثاواي، و(إشاعة حب) لفطين عبدالوهاب، في عروض تترك تفويتها لدى كرمة تدمراً وحسرة، لكن بددتها تلك الليلة الشتائية التي ولد فيها خالي نجيب، على يد (ترفنده) الأرمينية القابلة الوحيدة داخل سور المدينة^٧» (همان: ۱۶۹).

در واقع ترفنده در نقش قابله‌بودن در یک فضای زنانه، به‌عنوان یک نقش درجه‌ی دو یا سه در فضای اجتماعی در قیاس با مردان مشارکت می‌نماید «و به تبع آن، آن چه هم از لحاظ اقتصادی به آن می‌رسد در خور همین جایگاه است» (حسینی و گلمرادی، ۱۳۹۵: ۴۰).

سرمایه‌ی اجتماعی مثبت و منفی شخصیت‌های زن در رمان

«دسترسی افراد در میدان به شبکه‌های مختلف خانوادگی، دوستی، مدنی و مواردی از این دست، منبع سرمایه‌ی اجتماعی آنان است که آگاهانه یا ناخودآگاه در مسیر کسب منافع و بازتولید انواع سرمایه، یاری‌رسان عاملان فضای اجتماعی می‌باشد» (حسینی و گلمرادی، ۱۳۹۵: ۳۵).

در زندگی لمیس از کودکی شبکه‌های اجتماعی مختلفی دیده می‌شود؛ از ارتباط دوستی با عبود، دوست و همراه همیشگی لحظه لحظه کودکی اش گرفته تا ارتباط با همسالانش در کوچه و بازی با آن‌ها. لمیس برای پرکردن ضعف‌هایی که از سوی خانواده‌اش دارد، به این ارتباط‌های اجتماعی روی می‌آورد. در واقع او احساس متناقضی نسبت به این ارتباط‌های اجتماعی دارد، احساسی خوشایند

توأم با نارضایتی حاصل از ضعف‌هایی که در خانواده با آن رو به روست و به همین دلیل حس انتقام‌جویی در لمیس پدید می‌آید:

«كانت أمي مشغولة بمعاركها مع كل أبي و جدتي، لذلك تركتني بصحبة عبود وغيره من اولاد الحيران وقتاً طويلاً في الشوارع التي غالباً ما تكون آمنة ومنطوية على ذاتها، وخلف ذلك لدى شعوراً بأنني لم أحظ بتربية جيدة مقارنة بالأولاد والبنات الذين لايسمح لهم بالخروج من بيوتهم، مما أدى إلى عزلي لاسيما حين يتركني عبود ليسافر مع أمه إلى براغ. وقتها أشعر بالنقص، فأقرّر أن انتقم من كل شئ حولي لأعيش حياتي السرية، فأذهب مع جارنا فرحان، سائق التاكسي الأحمر، والذي يتلقّى طلبات خاصة لحفلات الزفاف»^۸ (العجيلي، ۲۰۱۸: ۲۱).

در واقع راهبرد لمیس برای جبران سرمایه‌های اجتماعی از دست رفته‌اش از سوی خانواده و بی-توجهی‌های آن‌ها، استراتژی بازتولید است. راهبرد بازتولید «یعنی مجموعه‌ای از اعمال ظاهراً بسیار متفاوتی که از طریق آن افراد و خانواده‌ها معمولاً، ناآگاهانه و آگاهانه، دارایی خود را حفظ می‌کنند یا افزایش می‌دهند، در نتیجه موقعیت خود را در ساختار طبقاتی حفظ می‌کنند یا ارتقا می‌دهند» (بورديو، ۱۳۹۰: ۱۸۱) که در متن رمان از آن به عنوان انتقام یاد می‌کند. ارتباط دوستی و بعد از آن ارتباط همسایگی، نمونه‌ی سرمایه‌های اجتماعی هستند که لمیس برای بازتولید سرمایه‌های اجتماعی به آن‌ها توسل می‌جوید. دوستی که در کودکی با عبود در سوریه شروع می‌شود و تا آلمان در بزرگسالی تداوم می‌یابد. همسایگی با "فرحان" راننده تاکسی قرمز، باعث می‌شود که لمیس در خیابان‌ها گردش کند و در مراسم عروسی به عنوان یک مراسم اجتماعی حضور و مشارکت یابد. عبود به مثابه یک دوست خوب و همراه که نبودش فقدان بزرگی در زندگی لمیس است، منشأ سرمایه‌ی اجتماعی اعتماد برای لمیس نیز محسوب می‌شود. یکی از جلوه‌های اعتماد و دوستی بین عبود و لمیس، هدایایی است که عبود از سفرهایش به چکسلواکی، برای لمیس می‌آورد:

«في سفرائه القليلة إلى بيت جدّه حصلت منه على هدايا: مجسم من السيراميك لبيت التقليديّ بذي زاوية حادّة، انكسر بعد أسبوع من حصولي عليه، ومرة قلادة من الفضة عليها صورة العذراء، وقد أمالت رأسها إلى اليمين بحزن، فقدتها بمرور الزمن. ومرة دمية تشكيليّة باللباس التقليديّ، ثوب من الكتان الأبيض ناصع البياض، و فوقه ثوب آخر من المخمل الكحليّ المطرّز بالذهب»^۹ (العجيلي، ۲۰۱۸: ۲۰).

«تبادل هديه، استراتژی زیرکانه و معامله‌ای پایدار است که سودی متداوم تولید می‌نماید؛ به این مفهوم که در کوتاه زمان منشأ سرمایه‌ی اجتماعی از اعتماد می‌شود» (حسینی و گلمرادی، ۱۳۹۵: ۳۷).

این اعتماد در رفتار لمیس با فرحان راننده تاکسی، نشان دهنده پیوند عمیق همسایگی برای شخصیت‌های رمان است. درجایی دیگر از رمان، اعتماد کر مه مادر بزرگ لمیس به مردم شهر نیز به تصویر کشیده شده و این موضوع بیانگر جاری بودن اعتمادی عمومی در سطح شهر رقه بین مردم است.

یکی از سرمایه‌های اجتماعی منفی که جنگ به دنبال خود در پی دارد، از دست دادن عزیزان است. لمیس در یک مین‌گذاری خالصانه‌ترین و طبیعی‌ترین سرمایه‌های اجتماعی خود، یعنی مادرش را به طور فجیعی از دست می‌دهد. خشونت‌های جنگ به همراه دارد، بدترین نوع خشونت مطرح شده به عنوان یک سرمایه‌های اجتماعی منفی در زندگی زنان رمان به ویژه لمیس است. تولید سرمایه‌های اجتماعی منفی به دنبال ازدواج برای زنان در این رمان بسامد بالایی دارد. ازدواج نجوی با پدر لمیس که از روی انتقام جویی نجوی از خود در پی شکست عشقی‌اش رقم می‌خورد، به تولید سرمایه‌های اجتماعی منفی برای نجوی و فرزندشان لمیس می‌انجامد. زندگی که بدون عشق و دوست داشتن شکل گرفته و در آن انواع خشونت‌های خانگی و جنسی پنهان نسبت به نجوی قابل مشاهده است. تسلط فضای مردسالارانه، با بیان خشونت‌هایی که آزادانه و بدون هیچ ابایی در حق زنان روا داشته می‌شود، در رمان به خوبی به تصویر کشیده شده است. خیانت بارزترین شکل تبلور یافته‌ی خشونت جنسی در زندگی زنان این رمان است؛ چرا که در زندگی زنان رمان خیانت عامل اصلی فروپاشی تمام روابط زناشویی به حساب می‌آید. نجوی، ماریه و کارمن از مصادیق بارز قربانیان این خشونت هستند. از دیگر مصادیق خشونت می‌توان به خشونت‌های خانگی که در زندگی پدر و مادر لمیس وجود دارد، اشاره کرد:

«قضینا آیامنا وکلّ منهما یتحاشی الآخر. ما یقال هو الکلام اللّازم فحسب، مع غیاب طویل خارج المنزل، وصراخ علی اشیاء تافهة، کالغسیل أو نوع الطعمام أو وضع الأشیاء فی غیر مکانها المتوقّع، وزیارات لیلیّة نادرة بین الغرفین المتقابلتین، وتحولت أنا سریعاً من مراقب إلی حکم، ففی الثامنة من عمري کنت أعلن عن إنتها معركة أو عن صلح وتجاوز»^۱ (العجیلی، ۲۰۱۸: ۱۰۰-۹۸).

عادی‌انگاری عمه‌ی ماریه از خیانت همسرش و بی‌تفاوت بودن نسبت به این موضوع به مثابه‌ی یک خشونت نمادین در او نهادینه شده است. او سلطه‌ی نظام مردسالار حاکم را در خود درونی کرده است. العجیلی با پرداختن به شخصیتی همچون ابولیلی که چهار همسر دارد، به ترسیم فضای مردسالارانه‌ی رمان می‌پردازد. صراحت در پاسخ‌گویی به سؤالات لمیس در حین مکالمه‌ای که با او دارد، از سلطه‌پذیری زنان به عنوان یک خشونت نمادین در فضای جامعه‌ای مردسالارانه، پرده بر می‌دارد. در واقع زنان رمان "صیف مع العدو" به نوعی، آبستن سلطه‌ای مردانه هستند:

«أسأل (أبو لیلی):

- لماذا تزوّجت أربع نساء؟
- لكي أرضي أعمامي الأربعة!
- كلهن بنات عمك، وضرائر، كيف يقضين أيامهن؟!^{۱۱}
- أترکهنّ جميعاً، فيعشنّ بسلام^{۱۲}» (همان: ۱۲۲).

اثرات سوء طلاق بر زندگی اجتماعی زنان، چه در کشورهای جهان سوم و چه در کشورهای توسعه‌یافته بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ چراکه زنان قشر آسیب‌پذیرتری در موقعیت‌های اجتماعی هستند و به واسطه‌ی طلاق «بخشی از سرمایه‌ی مطلوب اجتماعی که در قالب خانواده تعریف می‌شود» (حسینی و گل‌مرادی، ۱۳۹۵: ۳۶) از دست آن‌ها می‌رود. این تجربه که به‌گونه‌ای منفی بر زندگی روانی و اجتماعی زنان بازمی‌تابد، منشأ به وجود آمدن سرمایه‌های اجتماعی منفی، برای آنهاست؛ همان‌طور که در رمان واقعیت‌های اجتماعی پس از طلاق در زندگی مادر عبود، به عنوان یک زن مشاهده می‌شود:

«بقي عبود مع أبيه، فالضيم الذي وقع على أمّه جعلها تتنازل عن الولد. قالت لجديتي: سيكبر قريباً، وسيعود إليها. لن تستطيع تحمّل مصاريفه في براغ. أبوها أيضاً لن يتمكّن من ذلك، فالأوضاع الاقتصادية سيئة جداً والناس تموت من الجوع، وستمنعها السلطات هنا في المطار من اصطحابه بلا موافقة وليّ الأمر. الهروب به أمر المستحيل!»^{۱۳} (العجيلي، ۲۰۱۸: ۲۸).

شرایط نامناسب روحی کارمن نیز بعد از طلاقش و پشت سر گذاشتن بحران‌های زیاد در زندگی و از دست دادن نشاط اجتماعی، از نمونه سرمایه‌های اجتماعی منفی او بعد از طلاق به حساب می‌آیند:

«ماذا حدث بعد لانفصالك عن بسّام؟

أوه! خضعت لجلسات علاج نفسيّ لأتخلّص من كآبتي، ولأعود إلى نشاطي السابق، إلى العمل والكتابة. كنت أحمّر التجربة في معلمي، لكن خشيت من أن أستسلم للراحة التي منحنتني إياها فكرة الضحيّة. الضحيّة عليها أن تأخذ وقتها للشفاء، لكنّ الشفاء لا ينزل من السماء، يجب أن نقوم من على الأريكة ونبحث عنه قبل أن نتلاشي»^{۱۴} (همان: ۲۴۹).

کارمن بعد از طلاق، تحت درمان یک روانشناس قرار می‌گیرد تا از انزوا و افسردگی که دچار آن‌شده، رهایی یابد؛ اما این بهبودی کار ساده‌ای نیست و تلاشی بسیار می‌طلبد.

سرمایه‌ی فرهنگی شخصیت‌های زن در رمان

این سرمایه در ایده‌ی بوردیو در قالب دو سرمایه‌ی فرهنگی متجسد و نهادینه مطرح شده است. سرمایه‌ی فرهنگی متجسد «در واقع نوعی ثروت بیرونی است که به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری در فرد درآمده است. این همان بخشی می‌باشد که بوردیو آن را بعد سرمایه‌ی فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آن را از راه هدیه، خرید و یا مبادله به دیگری منتقل کرد. این نوع سرمایه، به صورت آمادگی مداوم ذهن و جسم، تجلی می‌یابد» (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷) و «این سرمایه می‌تواند با سرمایه‌گذاری زمان در شکل یادگیری افزایش یابد. این سرمایه در فرد عجزین شده و نوعی از رفتار فرد می‌شود» (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶: ۶۰) و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌شده، «شکلی از عینیت‌یافتگی است که مستظهر به مدارج آموزشی و امتیازات ضمانت شده می‌باشد» (بوردیو، ۱۳۸۹: ۴۷).

سرمایه‌ی فرهنگی متجسد شخصیت‌های زن

سرمایه‌ی فرهنگی متجسد شخصیت اصلی رمان یعنی لمیس، عادت‌واره‌ها و خصلت‌هایی است که به‌علت سطح پایین سرمایه‌ی فرهنگی پدر و مادر در خانواده‌اش، در میدان اجتماعی کوچک و در برخورد با هم بازی‌ها و به‌ویژه دوستش عبود شکل می‌گیرد. او به‌عنوان تنها فرزند خانواده عبود را جایگزین خواهر و برادر نداشته‌اش و غیبت طولانی مدت مادر و پدر می‌کند. در واقع لمیس در کودکی‌اش از میراث‌های بنیادین فرهنگی خانواده بی‌بهره است. لمیس از زبان خود، در جای جای رمان به ناکامی‌هایش در زمینه‌ی فرهنگی در دوره کودکی‌اش اشاره می‌کند. نظارت خاصی نسبت به رفتار و تربیت لمیس دیده نمی‌شود. او در خاطراتش بیش از اینکه به بیان محیط گرم و صمیمی خانه و خلقیات پدر و مادر و اجتماع سه نفره‌شان بپردازد، از کوچه، افراد محله و مراسم‌های اجتماعیشان سخن می‌گوید. یادگیری لمیس محدود به کوچه، افراد محله و دیدن صحنه‌هایی که خارج از چارچوب سنی است و با عبودی به آن مسائل پرداخته می‌شود که تنها سه سال از او بزرگتر است و در رده‌ی سنی او قرار می‌گیرد؛ نه مرجع فرهنگی صاحب صلاحیت. اشاره به جزئیات زندگی تازه عروس و داماد و دیدزدن‌های دزدکی اتاق خواب آنها همراه با عبود، نشانه‌هایی از نبود چارچوب مناسب فرهنگی از طرف خانواده‌ی لمیس است:

«حینما صار خلیل یخرج إلی عمله بعد اجازة زواج، کتّا نتلّصص علی بشری وهي تودّعه من وراء الباب، وکان کلّ متّا يتساءل في سرّه: کیف یمکن لخلیل أن یترک هذا الجمال کلّه، لیذهب إلی العمل؟» (العجیلی، ۲۰۱۸: ۱۵).

گوشه‌گیری، انزوا، احساس حقارت به نسبت بقیه‌ی همسالان، خصایل شکل‌گرفته و دیرپایی را در کودکی برای لمیس رقم می‌زنند که تا نوجوانی و جوانی هم با علت‌های گوناگون خانوادگی و اجتماعی قوت می‌یابند. در واقع تنهایی به‌دنبال خود، ضعف و فقدان شکل‌گیری ویژگی‌هایی همچون جسارت، عدم وابستگی و عزت نفس را برای لمیس به‌دنبال دارد و او در بیان خاطرات خود صراحتاً این موضوع را بیان می‌کند:

«كانت أمي مشغولة بمعاركها مع كل أبي وجدتي، لذلك تركتني بصحبة عبود وغيره من اولاد الجيران وقتاً طويلاً في الشوارع التي غالباً ما تكون آمنة ومنطوية على ذاتها، وخلف ذلك لدى شعوراً بأنني لم أحظ بتربية جيدة مقارنة بالأولاد والبنات الذين لايسمح لهم بالخروج من بيوتهم، مما أذى إلى عزلتي لاسيما حين يتركني عبود ليسافر مع أمه إلى براغ. وقتها أشعر بالنقص، فأفرّ أن انتقم من كل شيء حولي لأعيش حياتي السرية، فأذهب مع جارنا فرحان، سائق التاكسي الأحمر، والذي يتلقى طلبات خاصة لحفلات الزفاف^{۱۵}» (همان: ۲۱).

اشتغال دائمی مادر لمیس به کارهای روزانه و غافل‌شدن او از فرزند خود آن هم به‌عنوان دختری که نیاز به مراقبت و توجه بیشتری دارد، باعث ایجاد احساس خلأ در وجود لمیس و مقایسه‌ی او با همسالان خود می‌شود؛ به‌ویژه دخترانی که اجازه‌ی خروج از خانه را ندارند و لمیس این حسرت را در درون خود به آن‌ها می‌خورد؛ چرا که آن‌ها از یک سرمایه‌ی پر قدرت برخوردارند و او نه. در واقع مادر لمیس او را تحت عنوان بازی با همسالان در کوچه و خیابان رها می‌کند و از وظیفه‌ی تربیتی خود که از منابع مهم شکل‌گیری سرمایه‌های فرهنگی برای لمیس است، شانه خالی می‌کند. البته در این میان اشتغال مادر لمیس در کتابخانه، نکته قابل توجهی است:

«تعود أمي الى العمل نشيطة فأذهب معها إلى المكتبة، وأدخل القاعة المخصصة لكتب الأطفال، بينما تكون قد استقرت وراء مكتبها في القاعة المخصصة للكبار^{۱۶}» (همان: ۸۸).

سرمایه‌ی فرهنگی مثبتی که از طریق مادر، آن هم به‌واسطه‌ی کارش در کتابخانه، برای لمیس تولید می‌شود، خواندن کتاب است.

سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌ی شخصیت‌های زن

با سنجش میزان سرمایه‌های فرهنگی نهادینه‌ی رمان، می‌توان دریافت که زنان به نسبت مردان در کفه‌ی پایین‌تری قرار می‌گیرند. نیکولاس استاد دانشگاه مونیخ، دکتر اسعد پدر عبود که دامپزشک است و دایی نجیب که به تحصیلات آکادمیک او اشاره می‌شود، از نمونه‌هایی هستند که گواهی بر این مطلب می‌باشند:

«مرّ نیکولاس، الذي يعمل أستاذاً للفهم الجماهيريّ للعلم في جامعة ميونخ، أمام بيت جدّتي. كنت أجلس على عتبة الدار مع عبّود، نرقب المازّة ونفتّق أحداث تجرّ إلى كلّ مكان إلاّ إلى المكان الذي أتمنّاه»^{۱۷} (العجيلي، ۲۰۱۸: ۱۱۰).

در کنار اشاره به دستاوردهای شخصیت‌های ذکور رمان، به تحصیلات کارمن که از کلن آلمان برای تحصیل در رشته‌ی زبان عربی به دمشق می‌آید نیز اشاره می‌شود. کارمن از لحاظ سطح سرمایه-ی فرهنگی نهادینه‌شده به نسبت بقیه‌ی زنان رمان در جایگاه بالاتری قرار می‌گیرد:

«جاءت کارمن مع نیکولاس إلى سورية، لكنّها أقامت في دمشق، وزارتنا عدّة مرّات في الرقّة في أثناء إقامته وبحثه فيها. درست اللغة العربيّة لغير الناطقين بها في جامعة دمشق، استكمالاً لما درستة هنا في كولونیا من الأدب الشرقيّ»^{۱۸} (همان: ۲۳۲).

جنگ، مهاجرت اجباری و تنهایی، از عوامل انگیزه‌بخش لمیس برای رسیدن به سطوح بالاتری از سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه هستند؛ چراکه لمیس تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه‌ی علوم دینی گذرانده و ورود به دانشگاه در آلمان برای او با انگیزه‌های اجتماعی زیادی همراه است. در کنار شخصیت‌های لمیس و کارمن به تحصیلات دانشگاهی عربی نیز اشاره می‌شود؛ عربی یکی از شخصیت‌های فرعی داستان است که دوست دختر دایی نجیب در دانشگاه است و در رشته‌ی حقوق درس می‌خواند:

«كان لخالي نجيب حبيبة أموت غيرةً منها، تعرّف خالي نجيب إلى عروبة في حلب. كانت زميلته في كليّة الحقوق، ووالدها واحد من القضاة المعروفين بجبروت نزاهتهم، ونضالهم السياسيّ، وكان صديقاً لجدّي»^{۱۹} (همان: ۱۹۴).

"صيف مع العدو" بیان فرودستی فرهنگی زنان در پرتو نظام مردسالارانه‌ی مردان است. مردان بیشتر در میدان فرهنگی، قدرت‌نمایی می‌کنند. توصیف زنان فقط با خصوصیات زنانه‌شان، اشتغال به امور منزل، و فضاهای زنانه دلیل خوبی بر این مدعاست. زنان آن قدر مؤثر نیستند که بتوانند در فضای اجتماعی، عاملیت فرهنگی داشته باشند:

«تجمّعنا في بيت العمّة مارية حوالي ثلاثين امرأة، وعشرين طفلاً، وتجمّع ثلاثة وعشرون رجلاً في قبو بيت جدّتي. كانت النساء تطبخ بشكل دوريّ، عصيدة من قمح وخضار، أو معكرونة، أو برغل ممّا تبقى في أقبية البيوت»^{۲۰} (همان: ۲۰۹).

نجوی مادر لمیس تا حدودی توانسته مشروعیت فرهنگی خود را با کار در محیط فرهنگی کتابخانه به دست بیاورد؛ اما اکثر مشغله‌هایش، امور مربوط به خانه هستند، آن‌چنان‌که راوی رمان یعنی لمیس می‌گوید:

«کانت اُمّی مشغولة بمعارکها مع کل ابي وجدّتي، لذلك ترتکتني بصحبة عبود وغيره من اولاد الحيران وقتاً طويلاً في الشوارع التي غالباً ما تكون آمنة ومنظوية على ذاتها، وخلف ذلك لدى شعوراً بأنني لم أحظ بتربية^{۲۱}» (همان: ۲۱).

نزاع‌های همیشگی مادر لمیس با پدر و مادر بزرگ لمیس باعث شده بود که توجه کافی به لمیس نداشته باشد و لمیس بیشتر اوقات خود را در خیابان با بچه‌های همسایه سپری کند و همچون بچه‌های خیابانی و بی بهره از تربیت کافی خانوادگی بار آید.

سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته‌ی شخصیت‌های زن رمان

«سرمایه‌ی عینیت یافته بعدی از سرمایه‌ی فرهنگی است که در قالب کالاهای فرهنگی ملموس قابل مشاهده می‌گردد» (بورديو، ۱۳۸۹: ۱۶۱). در تمام فرهنگ‌ها، خانواده رکن و عامل اصلی اجتماعی-شدن کودکان است. با وجود اینکه عرصه‌ی خانواده بسیار کوچک است، اما کودکان به‌نحوی تربیت می‌شوند که طی سالیان متوالی و یا به‌عبارتی ضمن پذیرش جامعه، انتظارات آن را از خود برآورده-کنند. «پاسخ‌دادن به انتظارات جامعه، ناشی از شیوه‌های رفتاری است که فرد در زمان کودکی، از طریق ارتباط تنگاتنگ خانواده با محیط اجتماعی، برقرار کرده‌است» (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶: ۶۱). العجیلی نقش پررنگ خانواده را در آینده‌ی فرهنگی و اجتماعی دختران داستان، چه نسل قدیم و چه نسل جدید، به‌خوبی به تصویر می‌کشد. در کنار مسائل فرهنگی خانواده، مسائل اجتماعی مثل جنگ که موضوع محوری داستان است و در مؤلفه‌ی سرمایه‌های اجتماعی به آن پرداخته خواهد شد؛ همچنین بدون شک، عامل تأثیرگذار دیگری در زندگی زنان و دختران رمان است. به عقیده‌ی بورديو، جهت‌گیری‌های فرهنگی و یا عادات، که در مراحل اولیه‌ی زندگی به‌طور ناخودآگاه آموخته می‌شود، به سختی تغییرنموده و در شکل‌گیری پاسخ‌ها در تجربیات بعدی زندگی، بسیار فعال عمل می‌نماید. کودکان، عادات فرهنگی طبقاتی را از والدین خود می‌آموزند و این عادات، مسیر زندگی آنان را تعیین می‌کند. کودکان طبقه‌ی بالا، به‌طور طبیعی همانند خود جامعه‌پذیرتر شده و فرهنگ پایگاه بالاتر که سیستم آموزش تجربی به او پاداش داده را به‌نمایش می‌گذارند و همین مسأله باعث تراکم فرهنگی آنان می‌شود. کسانی که مجهز به فرهنگ و تربیت پایگاه‌های اجتماعی بالاتری باشند، در کسب مشاغل پر وجهه موفق‌ترند (همان: ۶۲).

در میان شخصیت‌های زن رمان، خلأ این جهت‌گیری‌های صحیح از طریق یادگیری‌هایی که در خانواده کسب می‌شود؛ کاملاً مشهود است. با کشته‌شدن پدر در جنگ و یتیم‌شدن "کرمه" و خواهرش، مادر، سرپرستی آن‌ها را به صومعه واگذار می‌کند و "کرمه" به عنوان یک رقصنده به گروه

"بدیعه مصابنی" ملحق می‌شود و همراه آن‌ها شهر به شهر می‌گردد. کرمه با توجه به شرایط نامطلوب خانوادگی، نه دانش و سواد آکادمیک دارد که به عینیت درآورد و نه در عرصه‌های دیگری مثل نوشتن و سایر فعالیت‌های فرهنگی سرمایه‌ای دارد که به آن عینیت ببخشد. لمیس نیز به‌عنوان یک دختر دبیرستانی سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه و یا تجسم یافته‌ای را به عینیت در نمی‌آورد. در رمان از "نوشتن" که بالاترین سطح سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته است، به‌عنوان امری آرامش‌بخش یاد می‌شود. اما این سرمایه فقط در حد تشویق است و صورت عینی به‌خود نمی‌گیرد. "گوتر"، "لمیس" را تشویق به نوشتن می‌کند؛ چرا که این کار به او آرامش می‌دهد. سرمایه‌ی فرهنگی در هیچ‌کدام از شخصیت‌های زن رمان، به جز مادر کارمن که از سرودن شعر به عنوان یک ابزار اعتراض آمیز به جنگ استفاده می‌کند، تبلور نیافته است:

«استمرت أمي بكتابة الشعر بروح معادية للحرب، بينما بقي أبي نازياً ولم يتخلَّ عن عقيدته، وكان بينهما ذلك الصراع الخفي الذي يصير كرها أحياناً تخفيه الرغبة في استمرار العائلة»^{۲۲} (العجيلي، ۲۰۱۸: ۲۷۱).

درواقع «او این سرمایه‌ی عینیت یافته را در خدمت آگاهی بخشی به جامعه قرار می‌دهد» (افضلی و قاسمی اصل، ۱۳۹۶: ۳۰).

سرمایه‌ی نمادین شخصیت‌های زن در رمان

سرمایه‌ی نمادین را در مطالعات جامعه‌شناسی و پژوهش‌های اجتماعی می‌توان هم به عنوان متغیری مستقل محسوب کرد و هم به عنوان انشعابی از سایر سرمایه‌ها. در هر صورت، سرمایه‌ی نمادین با احترام و منزلتی که افراد در ارتباط با سایر سرمایه‌ها کسب می‌کنند مربوط است. «سرمایه‌ی نمادین، نتیجه‌ی تغییر شکل رابطه‌ی قدرت به رابطه‌ی معنا است» (شویره و فونتین^{۲۳}، ۱۳۸۵: ۹۹). «این سرمایه در واقع بُعدی معنوی است که در جوار دیگر سرمایه‌ها کسب می‌شود. عشق سرمایه‌ی نمادین است که رونق آن وابسته به فضای اجتماعی است» (گلمرادی، ۱۳۹۳: ۷۲).

عشق، به عنوان نمادین‌ترین سرمایه در این رمان برای زنان مشهود است. در زندگی لمیس، قهرمان رمان و بعد از گذر از رنج‌های جنگ و خلاهای شدید روحی که برایش به‌وجود آمده، می‌توان ارتباط‌های عاطفی و بوجدآمدن تجربه‌ی عشق را برای او مشاهده نمود. در زندگی شخصیت‌های دیگر رمان، همچون کرمه، نجوی، عمه ماریه، کارمن و آنا همسر دوم پدر عبود، ردپای عشق به وضوح دیده می‌شود. کرمه که به دلایل محرومیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، به خرده فرهنگی مثل رقصندگی روی می‌آورد و به دنبال آن با حضور در قهوه‌خانه‌ی معشوقه‌ی آغا ابراهیم

می‌شود، توانسته به سطحی از سرمایه‌ی نمادین که همان عشق است، در پی یک آشنایی تصادفی و بعد از آن، ازدواج برآید. عشق در زندگی نجوی آن قدر سهم عمده‌ای دارد که تأثیر بقایای این عشق در زندگی مشترک وی نیز دیده می‌شود. در واقع عشق نجوی به فارس و ناکام‌ماندن در این عشق، موجب شکست او در این سرمایه‌ی نمادین می‌شود و او به‌عنوان انتقام از خود، با عامر برادر فارس ازدواج می‌کند:

«أصرت أُمِّي على الزواج بأبي، ونجحت في أن تنتقم من نفسها، وأن تعاقبنا جميعاً. كان بينها وبين عمِّي فارس قصة حب مغيبّة، حاول الجميع تجاهلها، لكنّ أمّساجها السامة تسلّقت حياتنا رغمًا عن الأطراف كلّها»^{۲۴} (العجيلي، ۲۰۱۸: ۹۶).

یکی دیگر از سرمایه‌های نمادینی که در این رمان برای زنان به آن اشاره شده، زیبایی است. از توصیف زیبایی‌های بشری، نوعروسی که چندبار با عبود او را پاییده‌اند گرفته تا زیبایی‌های مادرش و آنا که دکتر اسعد به خاطر زیبایی‌اش با او ازدواج می‌کند و زنان زیبای اروپایی که مردان زیادی به خاطر زیباییشان طالب ازدواج با آنها هستند. این توصیفات که از زبان لمیس بیان می‌شوند و از ابتدای رمان تا آخر رمان در مورد شخصیت‌های گوناگون به چشم می‌خورد، حاکی از توجه بی‌اندازه‌ی او به‌عنوان یک دختر به این سرمایه برای زنان است. لمیس به غایت از زیبایی بشری نوعروس تعریف می‌کند و این نشان از اهمیت این سرمایه برای او دارد که می‌توان با توجه به حساسیتی که نیز به دوست دختری خود نشان می‌دهد، این موضوع را از جلوه‌های تثبیت شده‌ی زنانه برای او تلقی کرد که در ذیل به یک نمونه از این موارد در متن داستان اشاره می‌شود:

«لطالما اعتقدت أنّ أُمِّي واحدة من أجمل عشر نساء في العالم، ممّا زاد حيرتي حول الفجوة التي تزيد كلّ يوم بينها وبين أبي، والتي لم يفلح أيّ منهما في ترميمها أو رأب صدوعها. ماما دائماً أنيقة وكأنّها خارجة من إحدى المجلّات الأزياء التي تطالعها بانتظام»^{۲۵} (همان: ۹۵).

نتیجه‌گیری

شکل‌های سرمایه‌های شخصیت‌های زن در رمان "صيف مع العدو" در ارتباط مستقیم با جنگ و علی‌الخصوص جنگ داخلی سوریه تعیین می‌شود؛ اما این سرمایه‌ها آن قدر امیدوارکننده نیستند که بتوان آنها را عامل مؤثری در میادین مختلف اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفت.

سرمایه‌ی فرهنگی متجسّد زنان به‌علت فقر سرمایه‌ی فرهنگی در محیط خانواده، در میدان‌های اجتماعی گسترده‌تر و تحت تأثیر خرده فرهنگ‌ها شکل می‌گیرد. سرمایه‌ی فرهنگی مثبتی مثل مطالعه‌ی کتاب به‌علت حضور مادر لمیس در کتابخانه برای او شکل می‌گیرد. فرودستی فرهنگی

زنان که در بُعد سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌شده، در فضای سلطه‌ی مردسالار در این رمان به تصویر کشیده‌شده‌است؛ چرا که مردان، بیشتر توانسته‌اند، به مدارک دانشگاهی و رسمی دست‌یابند؛ همچون نیکولاس که استاد دانشگاه است، پدر عبود که دامپزشک است و دایی نجیب که به تحصیلات آکادمیک او اشاره می‌شود. در کنار این شخصیت‌ها لمیس است که در مدرسه‌ی علوم دینی درس خوانده و تنها شخصیت‌هایی که به سطوح بالاتری از این سرمایه دست یافته‌اند، عروبه و کارمن هستند؛ عروبه که در رشته‌ی حقوق درس می‌خواند و کارمن که در کلن آلمان در رشته‌ی ادبیات شرقی درس خوانده و جهت فراگیری زبان عربی به دانشگاه دمشق می‌آید. در بالاترین سطح سرمایه‌ی فرهنگی، یعنی سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته، تنها مادر کارمن است که توانسته دانش نهادینه‌شده را در قالب شعر به عینیت درآورد و اشعار اعتراض‌آمیز در مخالفت با جنگ بسراید. بقیه‌ی زنان رمان از این سرمایه فرهنگی بی‌بهره‌اند.

از بُعد سرمایه‌ی اقتصادی، زنان به امور کم‌مشروعیت و مطابق با جنسیت خود مشغول هستند. کرمه مادر بزرگ لمیس، که در یک گروه دوره‌گرد، به‌عنوان رقصنده مشغول به‌کار می‌شود و در پرتو ازدواج با آغا ابراهیم که مردی ثروتمند است، می‌تواند این سرمایه را افزایش دهد و ترفنده که به‌عنوان یک قابله، در اجتماع نقش دارد. در این بین تنها مادر لمیس است که در کتابخانه مشغول به کار است و شاید بتوان گفت به لحاظ اجتماعی و اقتصادی مشروعیت بیشتری به نسبت بقیه‌ی زنان دارد. خیانت به مثابه یک سرمایه‌ی اجتماعی منفی، نقش پررنگی در تخریب زندگی زناشویی زنان دارد؛ نویسنده از همه‌ی ابعاد اجتماعی، روانشناختی و فرهنگی به آن پرداخته است و با پرداختن به آلام زندگی کارمن به‌عنوان یک زن اروپایی که زندگی‌اش در اثر خیانت از هم پاشیده، مشترک‌بودن رنج کل زنان را نشان می‌دهد. روابط دوستی و همسایگی در شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی مثبت برای زنان رمان، نقش بسزایی را ایفا می‌کنند.

سرمایه‌ی نمادین زنان به زیبایی‌هایی خدادادی زنانه و تجربه‌ی عشق در روابط عاشقانه، محدود می‌شود و تجربه‌ی عمیق معنویتی را در زندگی زنان رمان به چشم نمی‌خورد. با توجه به اینکه فرهنگ هر جامعه‌ای در تقابل مستقیم با شرایط اجتماعی آن شکل می‌گیرد و با توجه به مطالب پیشین درباره‌ی شرایط خاص جامعه‌ی سوریه در این رمان، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌های اجتماعی در این رمان از بسامد بالاتری برخوردارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Bourdieu

۲. Claude Levi-Strauss

۳. Grenfell

۴. Stones

۵. پدر بزرگم نیز که به جز اسم آغا چیزی درباره آن نمی دانم، و اخیراً فهمیدم که اسمش ابراهیم بوده است. او مالک زمین های بزرگ و باغ های مشرف بر رودخانه را بوده است، که به جز دو خانواده دیگر در سرزمین فرات کسی اجازه دسترسی به این املاک نداشت.
۶. مادرم بعد از پیاده روی صبحگاهی تابستانیمان پرانرژی به سرکار برمی گردد، با او به کتابخانه می روم، و داخل سالن مخصوص بزرگسالان می شوم.
۷. دنیا در آن سال با چرخش فیلم های جذاب در سینماها، جشن می گرفت: (لادولچه ویتا) از فلینی، (اسپارتاکوس) از کوبریک، (به طرف شمال آلاسکا) از هنری هاتاوی و (اشاعه عشق) از فطین عبدالوهاب، اکران این فیلم ها بر کر مه حسرت بر جای می گذاشت، در آن شب دایی نجیب به دنیا آمد. به دست تنها قابله ارمنی شهر به نام (ترفنده).
۸. مادرم همیشه مشغول کارهای روزمره همراه با پدرم و مادر بزرگم بود و به خاطر همین زمان زیادی، من را با بازی با عبود و بچه های محله می گذاشت در خیابان هایی که غالباً امن نبود و من خود را که با بقیه پسرها و دخترهایی که اجازه بیرون آمدن از خانه هایشان را نداشتند؛ مقایسه می کردم می دیدم که خوب تربیت نشده بودم که منجر به گوشه نشینی ام می شد، بویژه زمانی که عبود با مادرش سفر می کرد و من را تنها می گذاشت. در آن وقت احساس کمبود می کردم. پس تصمیم گرفتم که از هر چیزی که پیرامونم هست انتقام بگیرم تا زندگی کنم. با همسایه مان فرحان راننده تاکسی قرمز که امور مربوطه به جشن های عروسی را انجام می داد همراه می شدم.
۹. در چند سفر کوتاه او به خانه پدر بزرگش، از او هدیه گرفتم: مجسمه سرامیکی یک خانه سنتی با زاویه حاد که بعد از یک هفته از گرفتنش شکست، و یکبار یک گردنبند نقره ای که عکس حضرت مریم روی آن بود، که سرش را غمگین به سمت راست چرخانده بود، به مرور زمان گمش کردم. و یکبار عروسک چکی با لباس سنتی، پیراهن سفید کتان روشن، و بالای آن پیراهن دیگری از مخمل سرمه ای گلدوزی شده به طلا،...
۱۰. روزهایمان را در حالیکه آن دو از هم دوری می کردند، سپری کردیم. فقط چیزهای ضروری گفته می شد، با یک غیبت طولانی بیرون از منزل، و داد و بیداد بر سر چیزهای بی اهمیت، یا شست و شو یا نوع غذا یا قرار گرفتن اشیاء در مکان غیر خودش، و دیدارهای شبانه ای که به ندرت بین دو اتاق روبه رو اتفاق

می‌افتاد، من خیلی زود به یک ناظر برای داوری تبدیل شده بودم، در حالیکه هشت سالم بود پایان دعوا یا آشتی یا پیشروی را اعلان می‌کردم. هنگامی که با کادیلاک پدرم به حلب یا دمشق سفر می‌کردیم هر سه ساکت بودیم، به کاست فائزه احمد یا ورده یا فیروز گوش می‌دادیم. مادرم به پدرم فکر می‌کرد و پدرم به زنی دیگر و هر دوی آنها به من می‌نگریستند یا مرا متوجه چیزی می‌کردند

۱۱. از ابولیلی می‌پرسم: چرا با چهار زن ازدواج کردی؟

۱۲. چون هر چهارتا عمویم را راضی کنم!

۱۳. همه آنها دختر عموهایت هستند، چگونه روزگارشان را سپری می‌کنند؟

۱۴. همه‌شان را رها می‌کنم، به سلامت زندگی می‌کنند.

۱۵. عبود نزد پدرش ماند، ظلمی که در حق مادرش شده بود باعث شد پسرش را رها کند. به مادر بزرگم گفت: زود بزرگ خواهد شد و پیش او باز خواهد گشت. از پس هزینه‌های او در پراگ نمی‌تواند برآید. پدرش هم قادر نخواهد بود، اوضاع اقتصادی واقعاً بد است و مردم دارند از گرسنگی می‌میرند و مسئولان حاضر در فرودگاه از همراهیش (با من) بدون اجازه پدرش جلوگیری می‌کنند. فرار با او غیرممکن است! عبود از کمک مادر بزرگم به مادرش خبر ندارد، و خوشحال بودم که بعد از سفر آنا به من نزدیک شد. احساس می‌کردم که تصاحبش کردم، اما او با سفر مادرش نشاط خود را ازدست داد، آن ابهتی که مادرش برایش ساخته بود را ازدست داد، برایش به دلسوزی کردن و احساس مسئولیت روی آورد، من و عبود در غم‌هایمان و ظلم و زخم‌های خانوادگی برابر شده بودیم.

۱۶. بعد از جدایی تو از بسام چه اتفاقی افتاد؟ - اوه! من برای خلاص شدن از افسردگی، و بازگشت به فعالیت قبلی، کار و نوشتن جلسات روان‌درمانی را گذراندم. داشتم این تجربه را تغییرش می‌دادم، اما می‌ترسیدم تسلیم خیالی که فکر قربانی بودن را به من داده است، بشوم. قربانی باید برای بهبودی وقت بگذارد، اما بهبودی و شفا یافتن از آسمان نازل نمی‌شود، ما باید از تخت راحتی و رفاه پایین بیاییم و قبل از اینکه نابود و متلاشی شویم به دنبال آن بگردیم.

۱۷. هنگامی که خلیل (داماد) بعد از مرخصی ازدواج سرکار می‌رفت. دزدکی بشری را زیر نظر می‌گرفتیم درحالی‌که او از مقابل در خلیل را بدرقه می‌کرد و هرکدام از ما توی دلمان از خود می‌پرسید: که چگونه ممکن است خلیل این همه زیبایی را ترک کند و سرکار برود.

۱۸. مادرم همیشه مشغول کارهای روزمره همراه با پدرم و مادر بزرگم بود و به خاطر همین زمان زیادی، من را با بازی با عبود و بچه‌های محله می‌گذاشت در خیابان‌هایی که غالباً امن نبود و من خود را که با بقیه

- پسرها و دخترهایی که اجازه بیرون آمدن از خانه هایشان را نداشتند؛ مقایسه می‌کردم، می‌دیدم که خوب تربیت نشده بودم که منجر به گوشه‌نشینی می‌شد، به ویژه زمانی که عبود با مادرش سفر می‌کرد و من را تنها می‌گذاشت. در آن وقت احساس کمبود می‌کردم. پس تصمیم گرفتم که از هر چیزی که پیرامونم هست انتقام بگیرم تا زندگی کنم. با همسایه‌مان فرحان راننده تاکسی قرمز که امور مربوطه به جشن های عروسی را انجام می‌داد همراه می‌شدم.
۱۹. مادرم فعال به کار بر می‌گردد و من با او به کتابخانه می‌روم و به سالن کتابهای مخصوص کودکان می‌روم که پشت آن سالن کتابهای مخصوص بزرگسالان قرار دارد.
۲۰. نیکولاس که استاد درک عمومی علوم در دانشگاه مونیخ است، از جلوی منزل مادر بزرگم می‌گذشت. من و عبود جلو خانه می‌نشستیم و عابرن را زیر نظر می‌گرفتیم و درباره هر مکانی جز جایی که آرزو می‌کردم، صحبت می‌کردیم.
۲۱. کارمن به همراه نیکولاس به سوریه آمد، ولی در دمشق اقامت گزید و چند بار در رقه در اثناء اقامتش ما را ملاقات کرد. در دانشگاه دمشق زبان عربی مختص غیر عرب زبانان را در جهت تکمیل تحصیلاتش در رشته ادبیات شرقی که در کولن آلمان فراگرفته بود.
۲۲. دایی نجیب دوست دختری داشت که من داشتم از حسادت نسبت به او می‌مردم. ... دایم نجیب در حلب با عروبه آشنا شده بود. همکلاسی اش در دانشکده حقوق بود، و پدرش یکی از قاضیانی است که به صداقت و مبارزه سیاسی شهرت دارد و دوست پدر بزرگم بود.
۲۳. حدود سی زن و بیست کودک در خانه عمه ماریه جمع شده بودیم و بیست و سه مرد در زیرزمین خانه مادر بزرگم جمع شده بودند، زنان به صورت دوره‌ای آشپزی می‌کردند، سوپ گندم و سبزیجات، یا ماکارونی، یا بلغوری که در انبارهای خانه‌ها باقی مانده بود.
۲۴. مادرم همیشه مشغول کارهای روزمره همراه با پدرم و مادر بزرگم بود و به خاطر همین زمان زیادی، من را با بازی با عبود و بچه‌های محله می‌گذاشت در خیابان‌هایی که غالباً امن نبود و من خود را که با بقیه پسرها و دخترهایی که اجازه بیرون آمدن از خانه هایشان را نداشتند؛ مقایسه می‌کردم می‌دیدم که خوب تربیت نشده بودم.
۲۵. مادرم با روحیه ضد جنگ شعر می‌نوشت، در حالی که پدرم نازی متعصب بود و از عقیده اش دست نمی‌کشید و بین آن‌ها درگیری پنهانی وجود داشت که گاهی به نفرت تبدیل می‌شد، در نتیجه میل به بقا و ادامه خانواده پنهان مانده بود.

۲۶. Choueiri & Fontaine

۲۷. مادرم به ازدواج پدرم اصرار ورزید، و موفق شد که از خودش انتقام بگیرد، و همگی ما را مؤاخذه کند. او و عمویم فارس داستان عشق آتشی با هم داشتند، همگی سعی می‌کردند، فراموش کنند، ولی ستم کشنده‌اش زندگی ما را علی‌رغم تمامی اطرافیان از بین برده بود.
۲۸. پیوسته اعتقاد داشتم که مادرم یکی از ده زن زیبای دنیاست... ماما همیشه شیک می‌پوشید گویا که از یکی از مجلات لباس بیرون آمده بود که مرتب آنها را به طور منظم مطالعه می‌کرد.

منابع و مأخذ

- بوردیو، پیر (۱۳۸۹). **شکل‌های سرمایه**، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان، به کوشش کیان تاج بخش، چاپ سوم، تهران: تیراژه.
- _____ (۱۳۹۰). **تمایز**، ترجمه‌ی حسن چاووشیان، تهران: ثالث.
- استونز، راب (۱۳۷۹). **متفکران بزرگ جامعه‌شناسی**، مترجم: مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- افضلی، علی و قاسمی اصل، زینب (۱۳۹۶). «مطالعه سرمایه‌های اجتماعی زنان در عربستان براساس نظریه‌ی پیر بوردیو؛ مطالعه‌ی موردی: رمان دختران ریاض»، **پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت**، سال ششم، شماره ۲: ۲۱-۳۹.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۲۶: ۱-۳۲.
- حسینی، مریم و گلمرادی، صدف (۱۳۹۵). «نقد جامعه‌شناسانه‌ی سرمایه‌های شخصیت‌های زن در رمان نیمه غایب براساس نظریه‌ی انواع سرمایه‌ی پیر بوردیو»، **ادبیات پارسی معاصر**، سال ششم، شماره‌ی ۴: ۲۷-۴۵.
- روحانی، حسن (۱۳۸۱). «درآمدی بر نظریه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی»، **فصلنامه‌ی راهبرد**، سال هجدهم، شماره ۵۳: ۷-۵۳.
- شارع پور، محمود و خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۱). «رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان»، **فصلنامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۲۰: ۱۳۳-۱۴۷.
- شویره، کریستین و فونتن، اولیویه (۱۳۸۵). **واژگان بوردیو**، مترجم: مرتضی کتبی، تهران: نی.
- العجیلی، شهلا (۲۰۱۸). **صیف مع العدو**، بیروت: منشورات ضفاف.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). **تاریخ نظریه‌های انسان‌شناختی**، تهران: نی.
- قاسمی، یار محمد و نامدار جویمی، احسان (۱۳۹۳). «بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی نمادین فرهنگی (مطالعه‌ی موردی دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)»، **فرهنگ ایلام**، دوره پانزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵: ۷-۲۱.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹). **مفاهیم کلیدی بوردیو**، مترجم: محمد مهدی لیبی، تهران: افکار.
- گلمرادی، صدف (۱۳۹۳). **نقد جامعه‌شناختی سرمایه‌های شخصیت‌های زن در رمان‌های منتخب پس از انقلاب اسلامی**، رساله‌ی دکتری، راهنما: حسین فقیهی، دانشگاه الزهراء: دانشکده ادبیات، زبان‌های خارجی و تاریخ.

نیازی، محسن و کارکنان، محمد (۱۳۸۶). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، سال هشتم، شماره ۳: ۵۰-۸۰.

Afzali, A. & Ghasemi Assal, Z. (2016). "The study of women's social capital in Saudi Arabia based on Pierre Bourdieu's theory; A case study: the novel by the girls of Riyadh", *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 6th year, number 2: 21-39. (DOI): 10.22059/jlcr.2018.65521 (In Persian)

Al-Ojeili, Sh., (2018). *Summer with the Enemy*, Beirut: Zafaf pub. (In Arabic)

Bourdieu, P. (2011). *The forms of capital*, translated by Afshin Khakbaz and Hasan Pouyan, with the efforts of Kian Taj Bakhsh, third edition, Tehran: Tiraje.

Bourdieu, P. (2012). *Distinction*, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: Saales pub.

Fokuhi, N., (2004). *History of anthropological theories*, Tehran: Ney pub. (In Persian)

Ghasemi, Y. & Namdar Joyimi, E. (2013). "Investigating the relationship between cultural capital and symbolic cultural capital (case study of students of Ilam University)", *Farhang Ilam*, 15th volume, numbers 44 and 45: 21-7. (In Persian)

Golmoradi, S. (2014). *Sociological criticism of the capitals of female characters in selected novels after the Islamic revolution*, Ph.D thesis under the guidance of Hossein Faqihi, Al-Zahra University: Faculty of Literature, Foreign Languages and History. (In Persian)

Grenfell, M. (2009). *Bourdieu's key concepts*, translator: Mohammad Mehdi Labibi, Tehran: Afkar.

Hosseini, M. & Golmoradi, S. (2015). "Sociological criticism of the capitals of female characters in the semi-absent novel based on Pierre Bourdieu's theory of types of capital", *Contemporary Persian Literature*, 6th year, number 4: 27-45. (In Persian)

Niazi, M. & Karkonan, M. (2016). "Sociological explanation of the relationship between the cultural capital of the family and the social identity of the youth", *National Studies Quarterly*, Year 8, Number 3: 50-80. (In Persian)

Rouhani, H., (2003). "Income on the theory of cultural capital", *Strategy Quarterly*, 18th year, number 53: 53-7. (DOI): 20.1001.1.10283102.1388.17.4.1.5 (In Persian)

Schweire, C. & Fontaine, O. (2015). *Vocabulary of Bourdieu*, translator: Morteza Katabi, Tehran: Ney pub.

Share pour, M., & Khoshfar, Gh. (2012). "The relationship between cultural capital and the social identity of youth", *Social Sciences Quarterly*, No. 20: 133-147. (In Persian)

Stones, R., (1379). *The great thinkers of sociology*, translated by Mehrdad Mirdamadi, Tehran: Markaz Pub.

Tavassoli, Gh.A. & Mousavi, M. (2004). "The concept of capital in classical and new theories with an emphasis on social capital theories", Journal of Social Sciences, No. 26: 1-32. (In Persian)

قراءة سوسولوجية لرأسمالية المرأة في رواية "صيف مع العدو" لشهلاء العجيلي بناءً على نظرية أنواع رأس المال لبيار بورديو

علي أفضلّي^١

محبوبة شيرواني دستجردي^٢

الملخص

تتأثر الرواية بظروف المجتمع أكثر من أي عمل أدبي آخر، ويمكن أن تعكس البنية الاجتماعية بشكل أفضل من أي عمل أدبي آخر. وفقاً لذلك، تتمتع بأكبر قدر من القدرة على تمثيل الحياة البشرية المعاصرة. ومن هنا، تعكس رواية "صيف مع العدو" الحياة الاجتماعية للشعب السوري خلال الحرب الأهلية التي تركت تداعياتها آثاراً سلبية على حياة الشعب عامةً، والنساء خاصةً. لذلك قمنا في هذه الدراسة بتحليل اجتماعي لرواية "صيف مع العدو" لشهلاء العجيلي بناءً على نظرية بيار بورديو لأنواع رأس المال المختلفة والاعتماد على المنهج الوصفي التحليلي. علم الاجتماع النقدي لبورديو، بالإضافة إلى الاهتمام بالبعد الموضوعي والبنوي، يأخذ في الاعتبار البعد العقلي للحياة الاجتماعية ويأخذ نظرة ميدانية للعلاقات التي تحكم الفضاء الاجتماعي. تكشف الدراسة السوسولوجية لرأس المال النسائي في رواية صيف مع العدو عن الدونية الثقافية للمرأة في ظل النظام الأبوي للرجل، وتكشف عن الخيانة التي تلعب دوراً هاماً في تدمير الحياة الزوجية للمرأة، باعتبارها رأس مال اجتماعي سلبي في حياتها. ويظهر أن أهم موضوعات رأس المال الاجتماعي للرواية هي معاناة حياة المرأة في السياق الأبوي للمجتمع، والتي تعززها الحرب وتداعياتها.

الكلمات مفتاحية: النقد الاجتماعي، نظرية أنواع رأس المال، بيار بورديو، "شهلاء العجيلي"، "صيف مع العدو"

^١ أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران، طهران.

^٢ خريجة ماجستير، قسم اللغة العربية وآدابها، بجامعة طهران، طهران.